

درس ۱۰

در انتظار طلوع

بر آای آفتاب صبح امید که در دام شب بجران ایرم

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به عترت و اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. از بامداد تا شامگاه، بعد از هر نماز، یاد امام عصر علیه السلام، دعا برای سلامتی آن عزیز و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه‌ای دائمی و پیوسته است. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم:

- ۱- آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» اختصاص به مسلمانان دارد؟
- ۲- این اعتقاد چگونه زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

خداوند وعده داده به کسانی که ایمان دارند

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

و عمل صالح انجام می دهند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

که آنان را جانشین در زمین قرار دهد

لَيَسْتَحْلِفَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ

همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد

كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و برای آنان دینشان را مستقر سازد

وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ

که برای آن‌ها پسندیده است

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند

وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

به گونه‌ای که مرا پرستند

يَعْبُدُونَنِي

و چیزی را شریک من نگیرند

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

.....

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

.....

وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً

.....

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

.....

فَصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ
مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

انبیاء، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

أَنَّ نَمُنَّ : که منت نهیم	نُرِيدُ : می خواهیم
نَجْعَلُ : قرار دهیم	أَسْتَضْعِفُوا : ناتوانشان کردند
لِيُظْهِرَهُ : تا چهره گرداند آن را	ذَكَرَ : در اینجا کتاب تورات
يَرِثُهَا : آن را به ارث بَرَد	كَرِهَ : نخواهد، اگر چه داشته باشد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با بیش از نیمی از انسان‌ها درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، بر اساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت.



سوره/آیه	در آیات ابتدای درس ببینید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....



دو بیش طرح شده درباره تاریخ انسان را مقایسه کنید و تأثیر هر کدام را بر روحیه ، رفتار و برنامه ریزی افراد نشان دهید.

.....

.....

.....

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر اسلام پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

برای مطالعه



– یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ،

بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱
 در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاکننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.^۲
 اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همهٔ پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها حضرت مهدی علیه السلام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانهٔ جهانی را تشکیل خواهد داد.
 ما معتقدیم که بنابر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. او هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله و «مهدی» یکی از لقب‌های اوست. ایشان آخرین ذخیرهٔ الهی است، و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.
 در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است، اما هنوز به دنیا نیامده است.^۳
 زنده بودن امام زمان علیه السلام، مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت و حضور ایشان در جامعه فواید زیر را داشته است:
 اول این که هر ماجراجوی فریب‌کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به‌زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فریب او را نمی‌خورند.
 دوم این که پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند.

۱- قرآن کریم کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سورهٔ نساء آیه ۱۵۷).

۲- «سوشیانت» یا «سیر اندیشهٔ ایرانیان دربارهٔ موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

۳- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

سوم این که هرگاه آنان احساس کنند، می‌توانند با امام حاضر و ناظر خود سخن بگویند، خواسته‌های خود را با ایشان در میان گذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، با امید و نشاط و پویایی تلاش کنند.

چهارم این که جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است.

انسان منتظر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می‌شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می‌شود. از این رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می‌کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک‌تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می‌داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت.

جامعه منتظر به واقعیت‌های ناهنجار موجود «نه» می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعه منتظر، حکومت‌های غیرالهی و طاغوتی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن‌ها می‌ایستد و مقاومت می‌کند. جامعه منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن شوند. همان‌طور که برخی از جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

الف - گذشته سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب - آینده سبز - باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

مسئولیت‌های منتظر

اکنون جا دارد که دوره غیبت چه مسئولیت‌هایی برعهده منتظران قرار دارد. در این‌جا

به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- تقویت معرفت، ایمان و محبت به امام: افزایش معرفت به امام عصر (عج) و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را بپذیرد.^۱

عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی‌دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آن‌ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام (و تفکر در آن‌ها) ایمان می‌آورند.^۲



چند نمونه از راه‌های تقویت معرفت و محبت پیشنهاد دهید.

.....

.....

.....

۲- پیروی از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام: منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن‌هاست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خوشا به حال کسی که به حضور «فاتم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.^۱

۳- ایجاد آمادگی در خود و جامعه: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام تلقی می‌کند. او هر لحظه منتظر است ندای امام عجله در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده‌اند و با مستکبران مقابله ننموده‌اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی عجله به حضرت مهدی (عج) خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما این‌جا می‌نشینیم».^۲

البته این آمادگی ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارد و منحصر به یک تخصص نمی‌شود. زیرا امام زمان (عج) یارانی توانمند در همه ابعاد می‌خواهد؛ یارانی که بتوانند مسئولیت‌های بزرگ عصر ظهور را بر دوش گیرند.

امام صادق عجله در توصیف یاران امام عصر (عج) می‌فرماید:

یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند؛ اگر به کوه‌ها روی آورند، آن‌ها را متلاشی می‌کنند.^۳

امام علی عجله درباره کسانی که با امام پیمان می‌بندند و بیعت می‌کنند، می‌فرماید:

امام با این شرط با آنان بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۴

چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور سرشار از یقین و استوارتر از صخره‌ها باشند؟ چه کسانی می‌توانند در هنگام بیعت با امام، اهل جهاد و پیکار باشند، پاک‌دامنی پیشه کنند و اهل زشتی و زشت‌کاری نباشند؟

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- الملاحم والفتن، سیدابن طاووس، ص ۱۴۹.

کسانی که قبل از ظهور آن حضرت، تمرین کرده و در صحنهٔ فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبههٔ حق حضوری فعال داشته باشند و ایستادگی و مقاومت در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی چون شجاعت، عزت نفس، بلندهمتی و پاک‌دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنهٔ نبرد حق‌طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، چنین کسی شجاعت و از جان‌گذشتگی لازم را به دست نخواهد آورد و در نبرد سهمگین سپاه امام علیه ستمکاران جهان، صحنه را ترک خواهد کرد.

یاران امام، پیش‌تازان تحول‌جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی‌اند. هستهٔ مرکزی این یاران، سبصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ بدر هستند که بنا به فرمودهٔ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام پنجاه نفر از آنان از زنان‌اند.^۱ همچنین، در احادیث آمده که بیش‌تر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.^۲ با ایجاد آمادگی در خود، بکوشیم که از یاران نزدیک امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام باشیم.

۴- دعا برای ظهور امام: در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.^۳

لازمهٔ این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم:

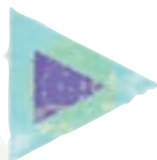
«خدا یا! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را خوار می‌سازی. ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- الغیبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

۳- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ص ۱۰۴.

۴- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود.



۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید :

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی، به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده کار باشد.

مشتاق و منتظر امام زمان علیه السلام این گونه با ایشان نجوا می‌کند :

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی	دل بی توبه جان آمد، وقت است که باز آئی
دائم گل این بستان شاداب نمی ماند	دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
مشتاقی و مجوری دور از تو چنانم کرد	کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست	ششاد خرامان کن تا باغ بیاری

ای در توام درمان در بستر ناکامی وی یاد توام مونس در کوشی تنهایی
حافظ، شب بهران شد، بوی خوش وصل آمد شادیت مبارک باد، ای عاشق شیدایی
و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می کند:

از نوشخت نرگس چشم اتظاری ام گل کرد خارِ شبِ بی قراری ام
تا شد بزار پاره دل از یک نگاه تو دیدم بزار چشم، در آینه کاری ام
کرمین به شوق دیدت از خویش می روم از خویش می روم که تو با خود بیاری ام
بود و نبود من همه از دست رفته است باری، مگر تو دست بر آری به یاری ام
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری ام
تا ساحل قرار تو چون موج بی قرار با رود، روبه سوی تو دارم که جاری ام
با ناختم به سنگ نوشتم: بیایا زان پیش تر که پاک شود یاد کاری ام؟

۲- امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم که باید رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده از اخبار هم‌خبر دارند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی می‌کنند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه جهانی‌سازی (Globalisation) نامیده می‌شود.

آن‌ها برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، سایت‌های متنوع اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌هاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم سلطه‌گران آماده می‌کنند. برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، چندین شبکه تلویزیونی به راه انداختن فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. این شیوه‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودشان مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های تبلیغی عرضه می‌کنند تا ملت‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

الف - با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.

ب - مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

ج - توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.

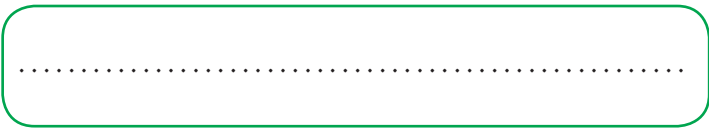
د - از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

هـ - یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلغ آن باشد.

با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می‌بینیم. جهانی شدن فرصت مناسبی برای جهانی سازی اندیشه اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است. معتقدان به مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه‌های جهانی و نشان دادن نقاط ضعف اندیشه‌های دیگر، زمینه‌های ظهور را بیش‌تر فراهم کنند.

۳- دعای عهد، از دعا‌های مشهور و مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود. در بخشی از این دعا، از خداوند کمک می‌طلبیم که بر عهد و پیمان خود با امام زمانمان ثابت قدم باشیم و از یاری آن حضرت دست برداریم. قسمتی از این دعا به شرح زیر است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ	خدایا من با او تجدید می‌کنم
فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا	در صبح این روز
وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي	و تا روزهایی که زندگی می‌کنم
عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً	عهد و پیمان و بیعتی را
لَهٗ فِي عُنُقِي	که برعهده گرفته‌ام
لَا أَحُولُ عَنْهَا	و از آن روی نمی‌گردانم
وَلَا أَزُولُ أَبَدًا	و هیچ‌گاه دست برنمی‌دارم.
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي	خدایا مرا قرار بده
مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ	از یاران و مددکاران او
وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ	و دفاع‌کنندگان از او
وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ	و شتابندگان به سوی او
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي	برای برآوردن خواسته‌هایش
وَ الْمُتْتَمِلِينَ لِأَوْامِرِهِ	و اطاعت‌کنندگان از دستورات او
وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ	و مدافعان حضرتش
وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ	و پیشی‌گیرندگان به سوی خواسته‌هایش
وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ	و کشته‌شدگان در پیشگاهش.



معرفت، محبت و انتظار

سہ کلمہ زیبا کہ با نام «مسدی» (عج) در خاطر ما زنده می شود.
انتظار، بدون محبت و محبت، بدون معرفت بی معناست.

*

در نامه زندگی خود،

بهترین فرصت را به این سہ کلمہ زیبا اختصاص می دهیم و می گوئیم
بر معرفت خود به امام زمان (عج) بیفزاییم و عشق او را در دل شعله ورتر کنیم
تا از مظنن و مشتاقان حقیقی دیدارش بایستیم.



- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»



- ۱- یکی از دعاهای مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیه السلام تقویت می کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- بررسی کنید که پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات، فهم کدام یک از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام را آسان کرده است.
- ۳- در آیه ۱۷ سوره رعد بیندیشید و توضیح دهید که:
الف - در این آیه، از چه مثالی برای نشان دادن تقابل حق و باطل استفاده شده است؟

- ب - چه شباهتهایی میان آن مثال و حق و باطل وجود دارد؟
- ۴- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد؟



درس ۱۱

مرجعیت و ولایت فقیه

در درس‌های گذشته دیدیم که دو قلمرو از رسالت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم‌السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجّت‌های خدا در روی زمین، این مسؤلیت‌ها را برعهده گرفتند و در همین چارچوب، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم:

مسؤلیت‌های مربوط به امامت در

دوره غیبت کبری چگونه انجام می‌شود؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ

باطل در این کتاب راه نیابد

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

چه پیش از آن

وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

و چه بعد از آن،

تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

که فرستاده‌ای است از سوی خدایی حکیم و ستوده

فُضِّلَتْ، ۴۲

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

.....

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

.....

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

.....

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

.....

توبه، ۳۳

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً

و نمی‌شود که مؤمنان همگی اعزام شوند

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ

پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،

مِنْهُمْ طَائِفَةٌ

جمعی از آن‌ها

لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

تا دانش دین بیاموزند،

وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ

و مردم خویش را هشدار دهند

إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

آن‌گاه که به سوی آن‌ها باز گردند؛

لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

تا مواظبت و توجه کنند.

توبه، ۱۲۲



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

لِيُظْهِرَهُرَ : تا پیروز گرداند او را کَرِهَ : بدش بیاید، نخواهد



سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، مشخص کنید که هر پیام از کدام آیه گرفته شده است.
.....	۱- هیچ‌گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.
.....	۲- خداوند، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.
.....	۳- چون همه مردم نمی‌توانند دانش دین را به‌طور عمیق و تخصصی فرا بگیرند، باید کسانی این مسئولیت را بپذیرند تا سایر مردم برای به‌دست آوردن احکام به آنان مراجعه کنند.

پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانه اوست. بی‌روی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی‌های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

اکنون، سؤال این است که در دوره غیبت کبری مسئولیت‌های مربوط به امامت، یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» چگونه ادامه می‌یابد؟ در این دوره، مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین اسلامی دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه اسلامی پیاده می‌شود؟

پاسخ این سؤال را می‌توان از سیره امامان بزرگوار علیهم‌السلام به‌دست آورد. یکی از اقدامات آن بزرگواران تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعه به قرآن کریم و سنت پیامبر و امامان به‌دست آورند. این دانشمندان، به شهرهای دوردست که امامان حضور نداشتند می‌رفتند و احکام اسلامی را به آنان می‌آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم بود. قرآن کریم دستور می‌دهد

گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین پردازند، تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تفکر عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند، «فقیه» نامیده می‌شوند. ما مسلمانان وظیفه داریم در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کنیم. به چند سخن از پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگری را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.^۱

۲- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ هر کس از فقیهان که

صَائِنًا لِنَفْسِهِ، نگهدارنده نفس خود،

حَافِظًا لِدِينِهِ، نگهدارنده دین خود،

مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مخالفت کننده با هوی و هوس خود

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فرمان بردار فرمان خداوند خود باشد

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ... پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.^۲

۳- گروهی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در پاسخ فرمود:

از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده‌ام.^۳

۴- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می‌کنند، فرمود:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۳- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۵۳

هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می فرماید «می خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید به طاغوت کافر باشند.»^۱
 برسیدند : پس چنین افرادی چه کنند؟

فرمود : اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن ها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.»^۲
 ۵ - امام عصر (عج) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود :

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ و در مورد رویدادهای زمان
 فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا به راویان حدیث ما رجوع کنید.
 فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ که آنان حجّت من بر شمایند
 وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و من حجّت خدا بر آنها می باشم^۳



شماره حدیث	با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.
.....	۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.
.....	۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به دست آورد.
.....	۳- مردمی که می خواهند براساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقیهی که دارای شرایط ویژه ای هستند، مراجعه نمایند.
.....	۴- مردم نباید برای مجموعه احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند. اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملاً حکومت طاغوت را پذیرفته اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده اند.

۱- سورة نساء، آیه ۶۰ ۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۳ ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳

بنابراین :

در دوره غیبت، بنابه فرمان امام زمان (عج) و به نیابت از ایشان، «فقیه» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را برعهده دارد و در حد توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کند. فقیهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازین دقیق، احکام را به دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. مردم هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و مطابق با راهنمایی آنان عمل می‌نمایند. به این مراجعه، پیروی یا «تقلید» می‌گویند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام می‌کند. فقهی که این مسئولیت را برعهده دارد، ولی فقیه نامیده می‌شود.

بدین ترتیب، در عصر غیبت :

۱- مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد.

۲- حکومت اسلامی در چهارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه

مرجع تقلید، علاوه بر تخصص در فقه، باید شرایط زیر را نیز دارا باشد :

۱- باتقوا باشد.

۲- عادل باشد.

۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

ولی فقیه که مسئولیت رهبری جامعه را برعهده دارد، علاوه بر سه شرط فوق، باید دو شرط

دیگر را نیز داشته باشد :

۴- با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند و با درایت

و بینش قوی، نقشه‌های دشمنان دین را خنثی سازد.

۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، با دشمنان دین مبارزه کند.

در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

پس، آن فقهی که این پنج شرط را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین

است. یعنی از نظر دین «مشروعیت» دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۱

راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک یا معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه اعلم و داناتر نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش بگیریم:

۱- خود ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.

۳- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.



۱- اگر مسلمانی که خود متخصص در احکام نیست، فقیه واجد شرایط را انتخاب نکند

و به وی مراجعه ننماید، اعمال دینی او چگونه خواهد بود؟

۲- آیا شما مرجع تقلید خود را تعیین کرده‌اید؟ از چه طریقی؟

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آن‌جا که ولی فقیه بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمی‌شود که هر کس به‌طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به‌صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که دارای شرایط رهبری

۱- صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳

است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند. مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری ولایت امام خمینی - رحمة الله علیه - را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که شایسته‌تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی - رحمة الله علیه - حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شدند.

بنابراین فقیهی می‌تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش‌برد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت). طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط پنج‌گانه ذکر شده برای ولی فقیه را دارا باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.



 اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

.....

.....

.....

ولایت فقیه، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر عجل الله فرجه

برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی عجل الله فرجه فرصت می‌دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در یرتوان می‌توان راه را از بی‌راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن‌بست می‌انجامد، راه درست را برگزید و آن را به

سلامت پیمود. همچنین، حکومت اسلامی قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکّل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به‌طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.

گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک‌تر می‌سازد.

برای مطالعه

چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟

فقه یک رشته تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در علوم و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره معصومین و با به‌کارگرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آن‌جا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسأله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیصی دیگر. البته به میزانی که مسأله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقیهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کرده و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.



- ۱- پیام‌های اصلی این درس کدام‌اند؟
- ۲- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۳- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۴- چرا باید مرجع «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟
- ۵- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟
- ۶- چگونه ولایت فقیه می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟



به اولین بخش کتاب «توضیح المسائل» مراجعه کنید. احکام مربوط به تقلید را مطالعه کنید و سه مورد را که مهم تشخیص می‌دهید، انتخاب کنید و در کلاس بگویید.



درس ۱۲

ویژگی های حکومت اسلامی

خواندیم که ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت، به نیابت از امام عصر علیه السلام بر عهده فقیه واجد شرایط است. اکنون می خواهیم به مسائل مربوط به حکومت اسلامی و ویژگی های آن پردازیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

.....
 أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

 بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

 وَجَادِلْهُمْ بِلَا تَى هِىَ أَحْسَنُ...

نحل، ۱۲۵

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ
 وَاَمِنْ تَابَ مَعَكَ
 وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

بایداری کن، همان طور که فرمان یافته‌ای
 هم چنین آنان که با تو به خدا روی آورده‌اند
 و سرکشى و طغیان نکنید
 که او بدانچه می‌کنید، بیناست

هود، ۱۱۲

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ
 وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
 لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

 فَاعْفُ عَنْهُمْ

 وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

 وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

 فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

به مهر الهی با آنان نرم شدی
 اگر تندخو و سخت‌دل بودی
 از گرد تو پراکنده می‌شدند

آل عمران، ۱۵۹

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ
فَاتَّبِعُونِي
وَاطِيعُوا أَمْرِي

طه، ۹۰



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

حِكْمَةٌ : علم محکم و براساس استدلال
عَزَمْتُ : تصمیم گرفتی
شاورٌ : مشورت کن

أَدْعُ : دعوت کن
جَادِلْهُمْ : با آنان به بحث و مجادله بپرداز
أَحْسَنَ : بهترین، پسندیده ترین
تَوَكَّلْ : توکل کن

۱- رابطه رهبر با مردم

ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند. از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان علیهم السلام را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید. پس لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم و از آیات ابتدای درس برخی از این رفتارها را استخراج کنیم:

۱- رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی های مردم می گذرد و برای

آنان از خداوند آموختن می خواهد. سوره...../آیه.....

۲- با مردم جامعه خود مشورت می کند و تصمیم گیری های خود را پس از مشورت انجام می دهد. با توجه به توسعه جوامع، لازمه مشورت، وجود گروه ها و نهادهای مشورتی است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل های گوناگونی مانند..... وجود دارد. سوره...../آیه.....

۳- ولی فقیه در تصمیم گیری قاطع و استوار است و با توکل بر خداوند برنامه ها را به پیش می برد و مانع خلل و سستی در نظام اسلامی می شود. سوره...../آیه.....

۴- با روش های درست و منطقی به روشنگری مردم می پردازد و تلاش می کند که آنان به روشن بینی و بصیرت لازم برسند و راه حق را از باطل تشخیص دهند و در دام دشمنان خدا و مردم نیفتند. سوره...../آیه.....

همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره پیامبر گرامی و امامان بزرگوار علیهم السلام، به ویژگی های دیگری برای رهبری می رسیم که در ادامه ویژگی های قبل می آوریم:

۵- رهبر جامعه اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی استوار و قاطع است و اجازه نمی دهد قوانین اسلامی مورد بی توجهی قرار گیرد.^۱

۶- رهبر جامعه اسلامی نگاه برابر و مطابق قانون به احاد جامعه دارد و با مردم مناطق مختلف کشور و اقوام گوناگون به مساوات رفتار می کند.^۲

۷- تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را مهم ترین حق مردم می داند و تلاش می کند که این مسئولیت را به خوبی انجام دهد.^۳

۸- رهبر، در برابر مردم و به خصوص مستمندان و مستضعفان، متواضع و فروتن و در برابر ستمکاران و مستکبران، با عزت، نفوذناپذیر و مقتدر عمل می کند.^۴

۱- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۲۳۶

۲- همان، ص

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸ و ۳۴ و نامه ۶۷

۴- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۹۶ تا ۱۰۱

وقتی که امیرالمؤمنین علی (ع) مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کرد، نامه‌ای به وی نوشت و در آن نامه سیمایی از یک حاکم اسلامی را ترسیم کرد و مسئولیت‌های او را بیان فرمود. این نامه به «عهدنامه مالک اشتر» مشهور است. قسمت‌هایی از این نامه را در اینجا می‌خوانید. امام، در هر فرمانی که به مالک می‌دهد، علت آن را هم بیان می‌کند. این قسمت‌ها را مطالعه نمایید و هر فرمان را از علت آن تفکیک کنید تا بدانید که چرا امام آن دستور را به مالک داده است.

۱- دل خویش را نسبت به مردم تحت حکومت مهربان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تواند.

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندروری تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

۳- دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه‌ترین، در عدل شامل‌ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیرترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می‌برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی‌اثر می‌کند.

۴- کسانی را که اهل عیب‌جویی از دیگران‌اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب‌هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیش‌تر از همه در پنهان کردن آن‌ها بکوشد.

۵- در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین در لباس نصیحت ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام‌دادن کارها روحیه تو را سست می‌کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران

به کار خیر بی‌رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می‌شوند.

۸- خدا را خدا را! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبدا دل مشغولی‌های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده‌ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره وضع آن‌ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن‌ها به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی؛ زیرا این گروه بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند.

۲- وظیفه مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی

همان‌طور که رهبر جامعه نسبت به مردم مسئولیت‌هایی دارد، مردم نیز در برابر رهبری وظایفی دارند که باید به انجام آن‌ها قیام کنند. برای شناخت آن‌ها، بار دیگر به سراغ آیات قرآن کریم می‌رویم تا برخی از این وظایف را به دست آوریم:

۱- مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تبعیت کنند و پایبند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند.

سوره...../آیه.....

۲- برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می‌افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می‌کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق‌طلبی خود بردارند.

سوره...../آیه.....

۳- وحدت و همبستگی اجتماعی خود را بر محور رهبری جامعه حفظ کنند تا قدرت‌های ستمگر نتوانند در کشور اسلامی نفوذ کنند و عزت و استقلال جامعه را به خطر اندازند.^۱

۴- خود را برای مقابله با ظالمان و مستکبران آماده کنند به طوری که آنان فکر تهاجم به سرزمین اسلامی را در سر نپروراندند.^۲

همچنین برخی دیگر از وظایف مردم را که از سخنان پیشوایان دین به دست آمده، ذکر می‌کنیم:

۵- آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی خود را افزایش دهند تا بتوانند در شرایط پیچیده‌ای که

قدرت‌های ظالم در دنیا ایجاد می‌کنند، تصمیمات صحیح بگیرند و درست عمل کنند.

۶- خیرخواه و نصیحت‌گر و یاری‌دهنده رهبر باشند.

۷- وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش‌های درست و تأثیرگذار انجام دهند و مانع

گسترش بدی‌ها و زشتی‌ها و کم‌رنگ شدن خوبی‌ها و نیکی‌ها گردند.^۱

۸- در جهت آبادانی کشور بکوشند.

۹- در حفظ اموال عمومی تلاش کنند.

۱۰- منافع کل جامعه و نظام اسلامی را بر منافع فردی خود ترجیح دهند.^۲

به علت اهمیت مسئولیت‌های رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر، امیرالمؤمنین علیه السلام

می‌فرماید:

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است،

حقوقی که خداوند بر هریک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و

ارجمندی دینشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری

مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق

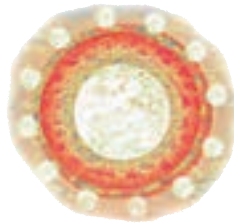
آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می‌شود.»



۱- با گفت‌وگو و هم‌اندیشی، نمونه‌هایی از مسئولیت مردم نسبت به حکومت

اسلامی را بیان کنید.

۲- به نظر شما این مسئولیت‌ها تا چه میزان مورد توجه مردم جامعه است؟



۱- درباره وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، در کتاب دین و زندگی (۲) بحث شده است.

۲- بندهای ۵ تا ۱۰ از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۲۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

۳- نظام اسلامی و مردم‌سالاری

نظام جمهوری یا مردم‌سالار، حکومتی است که بر اساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده‌اند، نه فرد یا گروهی خاص. در این نوع حکومت، مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه‌های تعیین شده در قانون آن را دنبال می‌کنند.

این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً وجود دارد و لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی» بیانگر آن است. مردم ایران با قیام و انقلاب خود، جمهوری اسلامی را برپا کردند و به قانون اساسی که شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می‌کند، رأی دادند و با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می‌کنند و هم پایبندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می‌دهند.

البته این تفاوت اساسی میان نظام‌های جمهوری دمکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی هست که اولاً حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می‌شود و قانون‌گذاران نمی‌توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند. و به همین جهت این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است. ثانیاً دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست. اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می‌کند. زیرا تا انسان‌ها در آن دو جهت حرکت نکنند، آسایش و رفاه عمومی را به دست نخواهند آورد؛ بلکه فقط گروه‌های خاصی به ثروت‌های عظیم خواهند رسید و اکثریت مردم محروم خواهند ماند. و همین وضعیت اکنون در جهان وجود دارد.^۱

۱- متأسفانه اکثر حکومت‌هایی که امروزه به نام حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است؛ برای مثال، دو حزب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا در اختیار دو بخش از ثروتمندترین سرمایه‌داران آمریکایی است که عظیم‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند. همین حکومت، مستبدترین کشورهای پادشاهی را که کمتر انتخابات عمومی برگزار می‌کنند، حمایت می‌کند؛ اما با کشور ما که در این سی سال به‌طور متوسط یک انتخابات برگزار کرده و میزان مشارکت مردم از کشور آمریکا هم بیش‌تر بوده، دشمنی می‌ورزد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چاسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.



مردم سالاری دینی از اصطلاحاتی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای تبیین حکومت اسلامی مورد استفاده قرار داده و در مناسبت‌های مختلف، به توضیح درباره آن پرداخته‌اند؛ به قسمت‌هایی از این توضیحات توجه کنید :

... این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه؛ خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. ... مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، مسئولان اصلی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.^۱



۱- تفاوت‌های اصلی جمهوری اسلامی با سایر حکومت‌های جمهوری را

برشمرید.

۲- کلمه «جمهوری» و «کلمه اسلامی» بیانگر چه ویژگی‌هایی از حکومت کشور

ماست؟

۳- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید نسبت به همه افراد جامعه

اسلامی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان مهربان باشد؟

۴- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید عیب‌جویان را از اطراف

خود دور کند؟

۱- در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲

..... و

برای این که زندگی فردی و اجتماعی ما مطابق با قوانین الهی و دستورهای او باشد. دو اقدام زیر را در برنامه‌ی خود جای می‌دهیم:

۱- مرجعی را که واجد شرایطی دانیم، انتخاب می‌کنیم تا احکام دینی خود را مطابق نظری که متخصص این موضوع است، انجام دهیم.

۲- مسئولیت خود را به عنوان عضوی از نظام اسلامی می‌پذیریم و در انتخاب مسئولان و کترش مردم سالاری دینی، از حق خود استفاده می‌کنیم. کاری را که عمده‌دار شده ایم، به دست می‌انجام می‌دهیم و دیگران را نیز به انجام دادن مسئولیت‌هایشان تشویق می‌کنیم.